

آمریکا، صهیونیسم دشمن ملت ماست!

شعار دهها
میلیون ایرانی
در راهپیمایی
روز قدس:

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

این شماره : ۸ صفحه

دوره هفتم، سال اول، شماره ۵۵
دوشنبه ۲۹ مرداد ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

حجت الاسلام خامنه‌ای
عضو شورای انقلاب، در مراسم
روز قدس گفت:
ما دست پلید آمریکا را در
همه فاجعه آفرینیهایی که در
این نقطه جهان انجام میگیرد،
بوضوح می بینیم.

مردم شعار میدادند:
رهبری خمینی اساس وحدت ماست
نجات مستضعفین شعار ملت ماست

در صفحه ۷



صحنه‌های از تظاهرات روز قدس

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران مسئله کردستان باید در چارچوب دفاع از انقلاب ایران و تضمین حقوق ملی خلق کرد حل شود

حوادث ناگوار و خطرناکی در کردستان میگذرد. در این منطقه کره بسیار درهم پیچیده‌ای بوجود آمده است. واقعیت اینست که توده‌های وسیع مردم کردستان، مانند همه خلقهای کشور، خواستار برپایی انقلاب بزرگ تاریخی میهنمان هستند و آماده‌اند در این راه، دوش بدوش سایر مبارزان، در نبرد مقدس برای ریشه کن کردن نفوذ امپریالیست‌ها و در پی‌شایش آنها امپریالیست‌های امریکایی و صهیونیست‌ها و وابستگان رژیم شاه شرکت کنند. در چارچوب این آمادگی برای مبارزه و سازندگی، خلق کرد مانند همه خلق‌های ایران، خواستار رفع محرومیت‌های ملی است.

حزب توده ایران، با بهره‌گیری از تجربیات بسیاری که در زمینه تلفیق این دو جهت مبارزه در میهن ما و در سایر کشورهای نظیر ایران وجود داشت، از همان آغاز معتقد بوده که در شرایط ویژه انقلاب ایران، باید از طرف همه نیروهای وفادار به آماج‌های انقلاب، نهایت درایت و آمادگی برای تفاهم و اجتناب از تأثیر تلافی‌های دشمنان انقلاب، برای حل این مسئله دشوار بکار رود.

حزب توده ایران مسافرت آیت‌الله طالقانی را به کردستان و نتایجی که از این مسافرت گرفته شد، استقبال کرد.

با کمال تألم این اقدامات بجا و مثبت به نتیجه نرسید. ضد انقلاب با بکارانداختن همه نیروهای خود، از همه جهات به ایجاد این کره دشوار، که اکنون به خونریزی انجامیده است، دست زد. امپریالیسم و صهیونیسم، دشمنان اصلی خلق‌های محروم، دوستی بین خلق‌های کشور ما را بزیان خود میدانند و میکوشند با دامن زدن به اختلافات مذهبی، قومی و زبانی، هر اندازه ممکن است محیط را متشنج سازند. عمل امپریالیسم و صهیونیسم تنها از راه قوام و گروهای وابسته به خود، مانند پالیزبانها و سالارچاه‌ها و عناصر نظیر آنها در منطقه نیست. آنها بدست‌عمل خود میکوشند هم‌راهِ بیان هم بپندارند، شیعان را علیه سنی‌ها، کردها را علیه آذربایجانی‌ها و فارس‌ها، متعصبین مذهبی را علیه گروه‌های چپ و چپ‌های افراطی را علیه نیروهای مذهبی تحریک کنند و خلاصه همه را بجا هم بپندارند و بدینسان مواضع خود را علیه انقلاب ایران محکمتر سازند.

در چنین شرایطی، حزب توده ایران معتقد

بقیه در صفحه ۲۴

توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران

هر روز بیشتر فاش میشود

انتظار مردم از مجلس خبرگان

در صفحه ۸

دشمن سوگند خورده انقلاب ایران، در پناه تلاشی که از سوی محافل معینی صورت میگیرد، تا نامش بر زبان آورده نشود، با تمام توان خود علیه انقلاب جوان و تازه‌های ایران توطئه میکند. دامنه این توطئه‌ها آنقدر گسترده است که افشای پاره‌ای از آنها، حتی با استفاده از منابع خبری غرب سرمایه‌داری، نیز فاقد گیر به نظر رسیده و میرسد، اگر چه از جانب برخی محافل دولتی با اکراه ولکنت زبان سیاسی توأم باشد آنچه که در این باره در روزهای اخیر، بر زبان مسئولان مملکت رفته، خود بزرگترین دلیل است.

این دشمن قهار، که مدتی است برخواه به بزبان آوردن نام فرزند مشروعی در منطقه خاورمیانه، یعنی «اسرائیل صهیونیست»، اکتفا می‌کند، برای مردم مستعبد ایران آشنائی از آنست که بتوان پشت پرده انکار پنهانش کرد و درباره ۲۵ سال جنایت‌وغارت و تجاوز و توطئه آن در ایران، سکوت را بر افشای اسناد و حقایق مربوط به این دوره از تاریخ سراسر رنج و درد مردم ایران ادامه داد.

این دشمن ناپکار، امپریالیسم امریکایی که اکنون با همه قدرت خود بر ضد تحکیم دستاوردهای انقلاب ایران توطئه میکند و حتی خود را آماده جنگی رویاروی در منطقه خلیج فارس میسازد. در این تاریخی‌ترین لحظات انقلاب بقیه در صفحه ۲۴

تجربه ۲۸ مرداد
جنبه وسیع
ضد امپریالیسم
انگلیس و شرکت
نفت انگلیس
در صفحه ۶

احسان طبری
تحلیلی
از وضع
جهان
در صفحه ۳

دنیا
نشریه سیاسی و تنوریک
کمیته مرکزی حزب توده
ایران بزودی منتشر میشود

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد

بقیه از صفحه ۱ توطئه‌های...

ایران، آن‌ها که به عمد و یا غیر عمد این دشمن اصلی خلق ایران را زیر پرده سکوب پنهان میکنند، باید بدانند که مسئولیتی سنگین در برابر فریاد انقلاب ایران دارند. این دشمن نابکار، که بهر بهانه‌ای سعی می‌شود آنرا از زیر پرده خارج کند، تا آنجا که ناشی بر زبان آورده نمیشود تا درباره نقش توطئه گرانه و غارتگرانه اش در ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد تا بهمن ۵۸ سخنی بمیان نیاید، بر اساس اخبار و گزارش‌های بسیار محدودی که در روزنامه‌های ایران راه پیدا میکنند، سرگرم توطئه‌های خطرناکی است. در برابر این واقعیت آیا باز هم پنهان داشتن حقایق تاریخی درباره آن از مردم جایز است؟ باز هم باید باره دشمنی‌های آن با انقلاب ایران به کلی گویی پرداخت و تا آنجا که امکان دارد شریک جرمی، که با هزار من سریش بان نوی چسبید، در کنارش قرارداد پدیده مردم خوراند؟

در زمینه توطئه‌های این دشمن غدار، اخیراً روزنامه لویزیولر، چاپ غرب، در مقاله‌ای که قسمتهایی از آن در روزنامه جمهوری اسلامی منتشر شده است، فاش ساخت که در ایران یک جنگ روانی شدید به راه افتاده است تا نگذارند در خاورمیانه و نزدیک تحولات ریشه‌ای صورت گیرد. این جنگ روانی را سازمان سیا و شرکت‌های نفتی خارجی علیه رژیم جدید ایران به سر راه انداخته‌اند. این جنگ بسدان جهت آغاز شده تا انقلاب ایران عقیم بماند. هدف سازمان سیا آمریکا و برخی مطبوعات داخل ایران ایجاد تفرقه در جنبش، با استفاده از وسائل جنگ روانی و ایجاد پایگاه‌های برای مداخله بیشتر است. این روزنامه می‌نویسد:

«تاکنون رگه‌هایی روشن از فعالیت‌های سری سازمان سیا در ایران کشف شده که عمدتاً در چند ماه اخیر این فعالیت‌ها رشد و جهت‌گیری و بسافت تازه‌ای پیدا کرده‌اند.»

در این گزارش، که در روزنامه جمهوری اسلامی بچاپ رسیده، آمده است:

فعالیت سازمان سیا در سه شاخه متمایز از یکدیگر در ایران ادامه یافته و اینک در هر سه شاخه به رشد وحشت‌انگیزی رسیده است:

۱- شاخه فرهنگی-اجتماعی- این شاخه مدتهاست به کمک اداره سازمان امنیت شاه مخلوع، که بشکل شعبه‌ای از سازمان سیا عمل می‌کند، ایجاد شده و توسعه یافته است. این روزنامه سپس شرایط حاضر در ایران را با شرایط قبل از پیروزی ضدانقلاب در شیلی، در زمان حکومت ملی دکتر آلنده مقایسه میکند و نتیجه می‌گیرد که سیا آمریکا تکرار تجربی شیلی در ایران را بتوان یکی از نقشه‌های علیه انقلاب ایران مورد استفاده قرار میدهد.

در زمان آلنده نیز در شیلی، سیا تمام کوشش خود را بکار گرفته بود تا روحیه مردم شیلی را تضعیف کند و با ایجاد وحشت و توسعه جنگ روانی، زمینه را برای سقوط دولت آلنده آماده گرداند. مطبوعات بین‌المللی، که عمدتاً تحت نفوذ سازمان سیا و صهیونیسم بین‌المللی قرار دارند، از بیرون و مطبوعات مزدور مزدور، ضربات تبلیغاتی خود را بر رژیم مردمی و انقلابی آلنده وارد می‌آوردند. و این درست همان کاری است که امروز در باره ایران میکنند. یکی از خصوصیات تبلیغاتی سیا در شیلی، مظلوم‌نمایی و شهید سازی مطبوعات مزدور بود.

۲- شاخه تروریستی- این شاخه در کنار شاخه فوق کاری کرد و کارش ترور چهره‌های انقلابی بود. چنین عملیاتی در ایران نیز عیناً اجرا می‌شود و ترور استاد مظهری و تیمسار قره‌نی و دیگر ترورها از این قماش است.

۳- شاخه جاسوسی عمومی- این شاخه کارش نفوذ در گروه‌ها و احزاب و مجامع ملی است. این نقشه نیز بی‌کمر و کاست دنبال میشود.

این اعتراضات یک روزنامه غربی درباره گوشه‌ای از دریای حقایق مربوط به توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران است.

توطئه علیه انقلاب ایران از سوی بزرگترین دشمن انقلاب ایران، یعنی امپریالیسم آمریکا، آنقدر دامنه گسترده است که حتی پاره‌ای از شخصیت‌های رسمی ناچار در روزهای اخیر پاره‌ای از آنها را بزبان آورده‌اند. به عنوان نمونه آقای صادق طباطبائی، سخنگوی دولت، در یکی از مصاحبه‌های خود، ضمن بر شماری علت بالا گرفتن موج مخالفت با انقلاب ایران در آلمان غربی اعلام داشت:

موج تبلیغاتی که در آلمان غربی و بیشتر کشورهای اروپایی علیه ایران بر راه افتاده، بهانه‌ای بیش نیست و نباید فراموش کرد که ما قراردادهای خود را با ایالات متحده آمریکا در مورد خریدهای نظامی بمبلغ ۹ میلیارد دلار لغو کرده‌ایم و در مورد مساله نفت نیز تسلیم نخواهیم شد که بهر قیمتی بخواهند به آنها نفت بدهیم، بلکه بهر میزان که خودمان بخواهیم و بهر قیمت نیز که خودمان تعیین میکنیم،

بقیه از صفحه ۱ مسئله کردستان...

بود و هست که مسئله کردستان باید در چارچوب دفاع از انقلاب ایران و تشمین حقوق ملی خلق کرد حل شود. بر این اساس هر گونه گرایش تجزیه طلبانه، تقاضای افکنای تویا پمال کردن حقوق ملی خلق کرد، یعنی همه آن چیزهایی که میتواند از جانب عوامل امپریالیسم، صهیونیسم و بازماندگان رژیم پهلوی دامن زده شود و مورد سوءاستفاده قرار گیرد در نهایت هم به منافع انقلاب ایران در مجموع و هم به حقوق خلق کرد لطمه زند، محکوم است.

حزب توده ایران معتقد بود و هست که ضمن محکوم کردن چنین گرایشهایی، میباید نقش عوامل امپریالیسم، صهیونیسم و بازماندگان رژیم پهلوی را، که متأسفانه توانسته‌اند هم در بین نیروهای انقلابی سردرگمی بوجود آورند و هم در گریزهای خونین بوجود آورند، که بهای آنرا در آخرین تحلیل خلق کرد باید بردارد، قاطعانه افشا و سرکوب کرد.

حزب توده ایران معتقد بود و هست که همه نیروهای انقلابی، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی خود و همه خلقهای ایران، اعم از فارس و کرد و آذربایجانی و ترکمن و بلوچ و عرب، میباید در چارچوب ایران واحد و حفظ تمامیت ارضی ایران از حق خودمختاری اداری و فرهنگی برخوردار شوند.

حزب توده ایران معتقد بود و هست که ضمن سرکوب ضد انقلاب در واحد های ملی - از جمله در کردستان - باید حساب مردم را با ضد انقلاب بدرستی جدا کرد. ضمن سرکوب قاطع ضد انقلاب، مسائل این واحدها را میباید با خونستردی و خردمندی و از راه مسالمت حل کرد. از جمله تشکیل شوراهای پیشتهای آیت‌اله مطلقانی - که بموقع خود مورد پشتیبانی حزب ما قرار گرفت - می‌تواند به حل این اختلافات کمک کند.

حزب توده ایران معتقد بود و هست که در این لحظات تاریخی، فقط اتحاد نیروهای انقلابی و درک عمیق مصالح و منافع انقلاب ایران و همه خلقهای ایران قادر است توطئه‌های امپریالیسم، سرکری امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ارتجاع را عقیم گذارد.

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۲۷ مردادماه ۱۳۵۸

نفت خواهیم فروخت. با آلمان نیز قرارداد عظیم چند میلیاردی بوشهر و قراردادهای زیر دریایی‌های اتمی را، که پنج میلیارد حجم قرارداد آنها بود، بهم زدیم. افزایش گوشه‌ای ناچیز، اما در حد خود کار ساز، از توطئه‌های آمریکا، از سوی وزیر امور خارجه نیز خود گواه بزرگی است درباره توطئه‌های بی‌وقته امپریالیسم علیه انقلاب ایران، یعنی همان کشوری که برخی‌ها ناشی را با اکراه بزبان می‌آورند و با حفظ برخی بیوندهای باقی مانده از رژیم سابق مانند قرارداد دو جانبه نظامی، مردم را عملاً در برابر آن خلع سلاح میکنند.

بمقصد ما همین مسامحه‌ها و بحاشیه رفتن‌ها باعث بی‌باکی عمال امپریالیسم آمریکا و سرپرندگان رژیم گذشته و دست نشانگان آنها در جریان برپائی تظاهرات مشکوک و ایجاد برخورد و فراهم ساختن زمینه جنگ داخلی شده است. برای ما واقعا این سوال مطرح است که در روز بزرگترین تظاهرات میلیونی ضد امپریالیسم و ضد صهیونیسمی بنسبت در وقت قدس، در حالیکه آیت‌اله خامنه‌ای، آنچنان که از یک انقلابی انتظار میرود، به صراحت اعلام میدارد که صهیونیسم نوحه دست پرورده دشمن قدار آزادی ملت‌ها، یعنی امپریالیسم خونخوار آمریکاست و در اصل دشمن اصلی انقلاب ایران، امپریالیسم آمریکاست که علیه انقلاب خلق ایران دست به همه توطئه‌های میزند، چرا از پشت همان بلندگو نخست وزیر بسا اظهار تأسف اعلام میکنند که دجنح صهیونیست آمریکا، دشمن انقلاب ایران است؟ آیا از این گفته چنین تعبیر نمیشود که امپریالیسم آمریکا در مجموع با انقلاب ایران دشمنی ندارد؟ همه حوادثی که در ایران میگذرد، آیا ما را و همه آنها را که قلبشان برای انقلاب ایران می‌سوزد، بر آن نمیدارد که وسیعاً علیه این دشمن اصلی انقلاب ایران، دست به افشاکاری بزیم و به مردم عمیقاً نشان بدهیم که دشمن کیست و چگونه توطئه میکند و چگونه باید علیه آن بسیج شد؟

آیا هنوز وقت آن نرسیده است که امپریالیسم آمریکا را از لای زرورق ایما و اشاره خارج کنیم و چهره ضد خلقی آنرا به مردم نشان بدهیم؟

مگر این خواست رهبر انقلاب و تمام مومنین به انقلاب نیست؟ صهیونیسم را از امپریالیسم خونخوار آمریکا جدا کردن، آیا در حقیقت تلاش برای خارج کردن آن از زیر ضربات انقلاب نیست؟ اخبار چسبه گریخته‌ای که درباره توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در نشریات ایران راه پیدا میکنند و یا گهگاه بزبان مقامات دولتی می‌آید، کافی نیست تا حتی کوشندگان راه نجات آمریکا از زیر ضربات انقلاب، دشمن اصلی را بشناسند و بیشتر و بیشتر آنرا به مردم معرفی کنند؟

منطق انسانی یک روحانی جوان

سید خلیل آذری از مشهد، زیر عنوان «منطق انسانی یک روحانی جوان» این نامه را برای مردم فرستاده است:

«اینجانب سید خلیل آذری، چند روز پس از نمایش وحدت در خرابان احمد آباد مشهد، برای خرید نان ایستاده بودم و مشاهده کردم که چند جوان دختر و پسر بسیار مؤدب، بسا لباسهای ارزان قیمت و ساده، اما تمیز مشغول فروش روزنامه «مردم» بودند. در این اثنا جوان ۱۷-۱۸ ساله‌ای بنام ناصر، که مشغول خوردن ساندویچ بود، با نثار ناسزا قصد جلودگیری از فروش روزنامه را داشت. جوانان، بدون اینکه متوجه شوند، برای خود ادامه دادند. در این موقع روحانی جوانی، که متوجه ماجرا شده بود، جوان مزاحم را بکناری کشید و بصحبت پرداخت. من که ناظر صحنه بودم، ایستادم و گوش فرا دادم و چند نفر دیگر هم به جمع ما اضافه شدند و ساکت آرام گوش میدادند.

روحانی چنین آغاز کرد: جوان عزیز، برادر، چرا به جوانان تحمیل کرده این سرزمین، که فردا به من و تو در لباس دکتری و مهندسی خدمت خواهند کرد، ناسزا دادی؟

- برای اینکه روزنامه کمونیستی مفروضه،
- آیا این روزنامه را تا بحال خوانده‌ای؟
- خیر
- سواد داری؟
- بله
- آیا با جوانان توده‌ای تا بحال معاشرت و صحبت داشته‌ای؟

- خیر
- آیا قوم و خویش توده‌ای داری؟
- بله، اما با آنها قهرم!
- آیا میدانی اینها چه میکنند و چه میخواهند؟
- خیر
- آیا کتابهای مذهبی مطالعه کرده‌ای؟
- خیر

آیا میدانی که حضرت علی فرموده‌اند، هر چیزی یا شایعه‌ای یا موضعی را شنیدید، تا در باره آن تحقیق نکرده‌اید، باور نکنید، زیرا ممکن است فاجعه‌ای بوجود آید؟
- آیا از این آیه قرآن خبر داری که میفرماید،

«یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا من الاطن ان بعض الظن اثم»
یعنی ای اهل ایمان، از بسیاری پندارها و شک‌ها در حق یکدیگر دوری جوئید که بعضی ظن‌ها و پندارها گناه است؟

- خیر
- آیا شنیده‌ای که امام خمینی فرمودند، بسیاری کسانی که از اسلام واقعی چیزی نمیدانند؟
- بله
- آیا میدانی فرهنگ استعماری یعنی چه؟
- خیر
- موضوع مهم همین جاست.

برادرم گوش کن! فرهنگ استعماری یعنی اینکه، تو از مذهب خبر نداری، کتاب نمیخوانی، روزنامه سیاسی مطالعه نمیکنی، از سیاست روز کشورت بی‌خبری، دوست و دشمن، انقلابی و ضد انقلابی را نمیشناسی و ناخود آگاه به استعمار و سیاست استعماری و به دشمن خودت کمک میکنی. چون شناخت و مطالعه نداری زود تمیزیک میشوی این خودش استعمار است. برادرم، راست بگو، چه کسی تورا به این کار تحریک کرده؟

- در مسجد بودم، عده‌ای ناشناس بمن یاد دادند.
- فکر نمیکنی، همانطور که حضرت آیت‌اله مطلقانی فرمودند، اینها ساواکی باشند که در بین مردم تفرقه و جدائی ایجاد میکنند و میخواهند مردم را به بهانه مذهبی و غیر مذهبی بجان یکدیگر بیندازند و وحدت را نابود کرده به آمال خود برسند؟
- شاید.

- پس برادرم، فکر کن! اگر تو این روزنامه را مطالعه میکردی، متوجه میشدی که اینها در حادثه ۱۵ خرداد ۴۴ از امام پشتیبانی کردند و در این انقلاب هم مرتب از امام و انقلاب هواداری کرده‌اند و با استعمار و امپریالیسم و صهیونیسم مخالف هستند.

روحانی جوان، که روزنامه‌های حلی خراسان و روزنامه مردم را در دست خود لوله کرده بود، روزنامه مردم را جدا کرد و به جوان تحریک شده، که قیافه آرام و شرمندگی نشان میداد که قانع شده‌است، تسلیم کرد و گفت: این را بخوان تا حقیقت بر تو معلوم شود و دیگر مزاحمت ایجاد نکنی.
جوانک خدا حافظی کرد و رفت.

اینجانب و سایرین، که مجذوب سخنان سودمند روحانی جوان شده بودیم، نیز چنگلی تشرک کردیم و بر این منطق و حوصله و بی‌شخصی درست آفرین گفتم و خدا حافظی کردیم.

تحریکات و توطئه های رهبری مائوئیستی چین علیه جنبش کشورهای غیر متعهد

نفوذ و گسترش جنبش کشورهای غیر متعهد که با پیوستن جمهوری سوسیالیستی ویتنام، جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان و جمهوری اسلامی ایران هر روز چشمگیرتر میشود، امپریالیستها و دستیاران مائوئیستی آنها را نگران و سراسیمه میکند. این جنبش، از همان آغاز پیدایش، با توطئه ها و تحریکات و اقدامات خصمانه امپریالیسم جهانی، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، مواجه بوده است. چرخش در سیاست مائوئیستی پکن از مواضع ماوراء چپ و انقلابیگری کاذب بمواضع هم پیوندی آشکار با امپریالیسم و ارتجاع جهانی، که تلاشهای مذبحخانه مائوئیستهارا در اقدامات تحریک آمیز و تفرقه افکنانه در میان جنبش کشور های غیر متعهد افشاء و رسوا نموده است - رهبری پکن را بر آن داشته که در مخالفت با سیاست عدم تمهد به مانورها و نیرنگهای تازه ای دست بزند تا ماهیت ضد امپریالیستی و صلح خواهانه جنبش کشورهای غیر متعهد را مسخ کند و در میان کشورهای شرکت کننده در این جنبش تفرقه و بدگمانی ایجاد نماید. این مانورهای پکن این بار نیز با اقدامات تحریک آمیز دول امپریالیستی، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، علیه کشورهای غیر متعهد، و قبل از همه علیه کوبا، کشور همباند کنگرسان آینده جنبش غیر متعهدها، هم - آهنگ و از پیش تنظیم شده است. کوششهای پکن برای منحرف ساختن جهت ضد امپریالیستی این جنبش در مطبوعات و محافل دولتی جهان غرب و آمریکا مورد تایید قرار میگیرد. در آستانه تشکیل کنگرسان جنبش کشورهای غیر متعهد، رهبری مائوئیستی پکن از یکسو تلاش دارد که هسته ای از طرفداران خود ورژیم سرنگون شده پل پوت در کامبوج و دارودسته خائن سادات و برخی رژیمهای ارتجاعی دیگر در چهارچوب جنبش کشورهای غیر متعهد بوجود آورد، و از سوی دیگر به مواضع کوبا و جمهوری سوسیالیستی ویتنام، که اعضای فعال و مورد اعتماد این جنبش هستند، لطمه وارد آورد و از این راه جنبش کشورهای غیر متعهد را در بستر دلخواه خود، که با مواضع امپریالیسم جهانی و در درجه اول امپریالیسم آمریکا، مطابقت کامل دارد، گسیل دهد.

امپریالیسم آمریکا و رهبری مائوئیستی پکن وجود کوبای سوسیالیستی و جمهوری سوسیالیستی ویتنام را، که بعلاوه مواضع روشن و قاطع ضد امپریالیستی خود در میان اکثریت کشورهای عضو جنبش غیر متعهد از احترام و نفوذ ویژه ای برخوردارند، مانع بزرگی بر سر راه تحقق اقدامات توطئه گرانه و تفرقه افکنانه در درون جنبش کشورهای غیر متعهد و منحرف ساختن سمت مشخص ضد امپریالیستی این جنبش می بینند و به همین علت کوبای سوسیالیستی و جمهوری ویتنام آماج حملات خصمانه و اتهامات دروغ و کین توزانه از جانب رهبری پکن قرار گرفته اند.

این کارزار تبلیغاتی پکن علیه این دو کشور سوسیالیستی عضو جنبش کشورهای غیر متعهد از جانب محافل تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا دامن زده میشود و مورد تایید قرار میگیرد.

باینکه ماهیت رژیم جنایتکار پل پوت دست نشانده پکن، که بدست مردم و نیروهای ترقیخواه و میهن پرست کامبوج سرنگون گردید، باینکه تبهکاریها و قتل عامهای این رژیم فاشیستی ضد انسانی زیانزد خاص و عام است، رهبری پکن بحمايت و پشتیبانی خود از دارودسته پل پوت ادامه میدهد و در قبایل رویدادهای این کشور، جمهوری سوسیالیستی ویتنام را متجاوز قلمداد میکند و از این راه میگوید افکار عمومی محافل اجتماعی را علیه ویتنام بسیج نماید، رهبری مائوئیستی پکن درست همان هدفی را در مورد ویتنام دنبال میکند که امپریالیسم آمریکا در راه رسیدن به آن با شکست فزاینده بار و رسوائی جهانی مواجه گردید.

کوبای سوسیالیستی دومین آماج حملات هم آهنگ و گنده آمیز امپریالیسم آمریکا و دستیاران مائوئیستی آنست. پنجمین کنگرسان جنبش کشورهای غیر متعهد، طی اعلامیه سیاسی خود، کمکها و پشتیبانی کوبا و دیگر کشورها را از آنگولا، در برابر تحریکات و تجاوزات دول امپریالیست و رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی، مورد تایید قرار داد و پشتیبانی و کمکهای کوبازا به انقلاب و مردم آنگولا و دیگر جنبشهای رهایی بخش خلقهای آفریقا در سمت اهداف مبارزات ضد امپریالیستی جنبش کشورهای غیر متعهد ارزیابی نمود. ولی رهبری مائوئیستی پکن، ضمن پشتیبانی از دارودسته طرفداران رژیم سرنگون شده پل پوت و رژیم سادات، که به عامل امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم در جهان عرب تبدیل گشته و بزرگترین خیانت به کشورهای عربی مورد تجاوز اسرائیل و یو یو یه خلق عرب فلسطین را روا داشته است، تلاش دارد که افکار عمومی رادر میان جنبش کشورهای غیر متعهد علیه کوبا و جمهوری سوسیالیستی

مانور امپریالیسم آمریکا برای غارت نفت مکزیک



افشاء سیاست چین

پرفسور «وارد»، چین شناس برجسته آمریکایی، در مصاحبه ای گفت که سیاست خارجی چین بر اساس برتری طلبی و توسعه طلبی استوار است و هدف این سیاست تصرف سرزمینهای کشورهای دیگر است. «وارد» گفت که پکن تلاش دارد از طرق مختلف، از جمله تعرض مستقیم به ویتنام، که با حمایت محافل آمریکایی صورت میگیرد و همچنین تضعیف این کشور و سد کردن توسعه اقتصادی ویتنام، به هدفهای خود دست یابد. لازم به تذکر است که چین لشکرهای زیادی در مرز ویتنام مستقر کرده است و سرسختانه با حل و فصل مسائل دو کشور مخالفت میکند.

از سوی دیگر رقابت سرمایه داران غرب و بویژه سرمایه داران آمریکایی و ژاپنی برای تصرف بازار چین افزایش یافته است. به گزارش خبرگزاریهای غربی، سندیکایی مرکب از ۳۱ بانک ژاپنی، وامی به مبلغ هشت میلیارد دلار در اختیار پکن قرار میدهند.

اختناق و سرکوب در السالوادور

نمایندگان جبهه اقدام خلق السالوادور، در مصاحبه ای در مکزیکو، از اختناق و سرکوب مردم در کشور خود پرده برداشتند. این نمایندگان گفتند که شکنجه و قتل میهن پرستان بوسیله ارگان های حکومت دست نشانده السالوادور و گروههای ارتجاعی شبه نظامی کشور، با حمایت امپریالیسم آمریکا، اکنون به چرایی عادی تبدیل شده است. یک دختر ۱۳ ساله در این کنفرانس اعلام کرد که همراه مادام و برادر کوچکتر خود بازداشت شده و تحت شکنجه قرار گرفته است. این کنفرانس مطبوعاتی به مناسبت هفته همبستگی با مبارزه خلق السالوادور علیه ارتجاع و امپریالیسم آمریکا برپا شد.

دبیر کل حزب سوسیالیست خلق مکزیک توطئه های امپریالیسم آمریکا را، که هدف آن کنترل ثروت های نفتی مکزیک است، افشاء و محکوم کرد. وی لزوم همکاری و هماهنگی نزدیک همه نیروهای دموکراتیک را برای دستیابی به استقلال سیاسی مکزیک و آزادی کامل آن از نفوذ امپریالیسم آمریکا مورد تأکید قرار داد. دبیر کل حزب سوسیالیست خلق، ضمن اشاره به خطر تحکیم موقع نیروهای ارتجاعی، با حمایت انحصارهای آمریکایی، گفت که مبارزه خلق های آمریکای لاتین برای رهایی از یوغ امپریالیسم آمریکا شدت یافته و در عین حال بحران عمومی سرمایه داری وخیم تر شده است.

قانون اساسی ویتنام

طرح قانون اساسی تازه جمهوری سوسیالیستی ویتنام برای بحث میان مردم کشور منتشر شده است. رادیو هانوی اعلام کرد که قانون اساسی تازه نمایانگر دستاوردهای پر شکوه مردم ویتنام و حافظ منافع زحمتکشانش و بطور کلی منعکس کننده مبارزات انقلابی مردم ویتنام در ۲۵ سال اخیر است. این قانون اساسی پیروزی سوسیالیسم را تضمین میکند.

توطئه مشترک آمریکا و چین در کامبوج

به گزارش خبرگزاری فرانسه، یک مقام برجسته جمهوری سوسیالیستی ویتنام گفت که پکن و واشنگتن با همکاری یکدیگر می خواهند از باصلاح مشکل «آوارگان» برای فشار به ویتنام استفاده کنند و این کشور را در مورد کامبوج مورد اعراب قرار دهند. این مقام ویتنامی اضافه کرد که محافل پکن و واشنگتن باید درک کنند که اوضاع کامبوج بر گشت ناپذیر است.

روزنامه پرادا نیز نوشت که پکن و واشنگتن فعالیت های خرابکارانه خود را علیه کامبوج هماهنگ کرده اند. هزاران مزدور، که بوسیله سازمان جاسوسی سیا استخدام شده اند، در نزدیکی مرز تایلند فعالیت می کنند و پکن نیز، بنا به اطلاعات رسیده، قصد دارد دو هزار ضد انقلابی را از میان مزدوران سیا انتخاب کند و به کامبوج بفرستد. هدف چین و آمریکا اعاده دیکتاتوری خون آشام کامبوج است، که بر اثر قیام خلق سرنگون شده است.

رژیم سرنگون شده برای چینی های مقیم کامبوج مزایای زیادی قائل میشود و پکن قصد داشت که میلیونها چینی را وارد کامبوج کند و بدین ترتیب این کشور را به پایگاه سیاست خود در آسیای جنوب شرقی تبدیل نماید.

کوتاه کردن دست امپریالیسم از نیکاراگوئه

رهبران حکومت انقلابی نیکاراگوئه اعلام کردند که در سیاست داخلی و خارجی به اطاعت از امپریالیسم و فروش ارزان ثروت های ملی و استقلال کشور، که بوسیله سوعوزا تعقیب میشد، کاملاً پایان میدهند. یک مقام برجسته حکومت نیکاراگوئه گفت که سیاست خارجی کشور بر اساس دوستی و همکاری با همه کشورهای است که به حاکمیت نیکاراگوئه احترام میگذارند. بر اساس همین سیاست، اعلام شده که روابط دیپلماتیک با اتحاد شوروی برقرار میشود و تلاش خواهد شد روابط دو کشور هر چه بیشتر گسترش یابد.

واکنش شورای مرکزی فلسطین در برابر مانور آمریکا

شورای مرکزی فلسطین در پایان اجلاس خود اخطار کرد که آمریکا تلاش دارد در صفوف اعراب شکان ایجاد کند و افکار خلق عرب را از خطرات قرارداد خائنه کمپ دیوید منحرف سازد. اخالد فوم، رئیس شورای مرکزی فلسطین، گفت که این شورا، طرح باصلاح خود مختاری فلسطینیها را، که در قرارداد کمپ دیوید، پیش بینی شده است، مانوری برای نابودی خلق فلسطین میداند.

نمونه ای از چپاولگری انحصارات امپریالیستی

سود بادآورده انحصارهای امپریالیستی، بویژه انحصارهای آمریکایی در برزیل، در سالهای اخیر چند برابر شده است. نشریه معتبر «آنالیزس»، چاپ برازیلیا، نوشت که انحصارهای امپریالیستی آمریکا و دیگر کشورهای غربی، سال گذشته پانصد و هشتاد میلیون دلار سود خالص از برزیل خارج کردند. این انحصارها، بویژه شرکتهای حمل و نقل، با توجه به بهره کشی از کارگران در برزیل، سودهای زیادی به جیب میزنند. مدیر کل شرکت فولکس واگن شعبه برزیل اعتراف کرد که دستمزد برزیلی شرکت یک ششم دستمزد کارگران آن در آلمان فدرال است.

ویتنام تحریک کند و صلاحیت شرکت این دو کشور را در جنبش کشورهای غیر متعهد مورد تردید قرار دهد. این شیوه، همان شیوه شناخته شده و ساخته و پرداخته زرادخانه ارتجاع و امپریالیسم جهانی است که در مقیاسهای کشوری هم بکار گرفته میشود. ارتجاع و ضد انقلاب در هر کشور بمنظور به انحراف کشاندن روند انقلابی و سرانجام شکست آن، یورش ضد انقلابی خود را علیه نیروهای راستین و پیگیر انقلابی آغاز میکنند تا راه تسلط ضد انقلاب را هموار سازند. امروز رهبری مائوئیستی پکن هم که هدفش مسخ کردن جنبه ضد امپریالیستی جنبش کشورهای غیر متعهد است، بمنظور تضعیف و ایجاد تفرقه در این جنبش، همین شیوه زرادخانه ارتجاع و امپریالیسم جهانی را علیه کوبای سوسیالیستی و جمهوری سوسیالیستی ویتنام و تمامی جنبش

مسئول کمیته احمدیه، حمله به کتابفروشی ها را فعالیت ضد انقلابی

نمیدانند!

نیمه شب بیست و دوم مرداد ماه، نزدیک به ۲۰ نفر از افراد مشکوک، با شمارهای ضد کمونیستی وضد توده ای از مسجد نبی، در فلکه هفت حوض نارمک، خارج شدند و یک کده کتابفروشی، که نزدیک میدان است، حمله بردند و بعد از بریدن قفل و زنجیر، کده را بداخل حوض انداختند و بعد هم همه کتابهای آن، از جمله کتابهای مذهبی را پاره کردند و حشانه ضد مکرانک در محلی اتفاق افتاده که با کمیته جنگل ۳۰۰ متر، با کمیته مسجد احمدیه ۵۰۰ متر و با کلاتری نارمک ۲۰۰ متر بیشتر فاصله ندارد و برخی از اهالی محل، چند نفر از اعضای کمیته را هم در همان حمله کنندگان دیده بودند، گروهی از مردم برای اعتراض به این عمل، به کمیته های مسجد نبی و جنگل رفتند، اما مسئولان کمیته ها آنها را بایی اعتنائی به کلاتری محل فرستادند. در کلاتری مردم گفتند، شما باید عاملین ماجرا را شناسائی و معرفی کنید تا ما دستگیرشان کنیم و بساین ترتیب آنها را دست بسر کردند. مردم مجدداً به کمیته جنگل رفتند. در آنجا گفتند که این حادثه در حوزه مسئولیت کمیته

احمدیه اتفاق افتاده است. مردم به کمیته احمدیه رفتند و ماجرا را با مسئول کمیته در میان گذاشتند. مسئول کمیته در جواب گفت، «این کارها بما ربطی ندارد. نه ما، نه کمیته مسجد نبی و نه کمیته جنگل هیچ کدام مسئول نیستیم. مردم پرسیدند، «وظیفه کمیته ها چیست؟» مسئول کمیته جواب داد، «مبارزه با ضد انقلاب و مواد مخدر». مردم پرسیدند، «شما حمله به کتابفروشی را انجام چطور اعمال را ضد انقلابی نمیدانید؟» مسئول کمیته گفت، «نه!» مردم که تعجب کرده بودند، از مسئول کمیته خواستند که در نامه ای بنویسد که حمله به کتابفروشی را عمل ضد انقلابی نمیداند. اما او قبول نکرد و مردم را برای رسیدگی به ستاد مرکزی پاسداران حواله داد.

«مردم» - چنین برخوردی از جانب برخی مسئولان کمیته ها، یک بار دیگر بر ضرورت پاکسازی کمیته ها مهر تأیید میگذارد. ادامه روشهایی از قبیل آنچه در این خبر آمده، فقط و فقط بسود ضد انقلاب تمام میشود. وظیفه انقلابی حکم میکند، ضد انقلاب، در همه جا و از جمله در کمیته ها سرکوب شود.

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

- دادر ۱۰۰۰۰۰ ریال
- پوینده از استان ساحلی ۲۰۰۰ ریال
- کمال ۱۰۰۰۰ ریال
- اسماعیل فلاح ۵۰۰۰ ریال
- طلوع و محسن از قم ۲۰۰۰۰ ریال
- دوستی از شهر کرد (با خرید یک شماره روزنامه مردم) ۵۰۰ ریال
- عابد ۱۰۰۰۰۰ ریال
- ع. قزوین ۲۰۰۰۰ ریال

کتاب تازه
«گفتاری درباره امپریالیسم»
از: نورالدین کیانوری
تکاشته سال ۱۳۵۳
از انتشارات حزب توده
ایران

جبهه وسیع ضد امپریالیسم انگلیس و شرکت نفت انگلیس

تجربه
۲۸ مرداد (۴)

از آنچه گفتیم قطعاً خوانندگان مامتوجه این نکته شده اند که در کشور ما، پس از جنگ دوم جهانی، بطور بالقوه طیف وسیعی از مخالفت با شرکت نفت انگلیس وجود داشت. تقریباً همه طبقات و قشرهای اجتماعی، هر یک بنوعی و در حدودی، از فعالیت آن شرکت ناراضی بودند.

این طیف وسیع ناراضی در شمارها و خواستههای گوناگون انعکاس مییافت، که قاطعترین آنمرد شرکت نفت بود، که از طرف حزب توده ایران دنبال میشد. سایر شخصیتها و سازمانهای سیاسی خواستار افزایش نسبی درآمد نفت و پاسه هم شدن ایران در درآمد شرکت و غیره بودند.

این جبهه وسیع، که بالقوه وجود داشت، در پایان مجلس یازدهم - یعنی بهار ۱۳۲۸ - بطور نسبی فعال شد، تا جائیکه مجلس یازدهم نتوانست قرارداد الحاقی را که قرار بود بعنوان مکمل به قرارداد ۱۹۳۳ اضافه شود و آنرا تثبیت کند - تصویب نماید. مخالفت افکار عمومی و فعالیت اقلیت مجلس یازدهم نقش اصلی در خنثی کردن نقش شرکت نفت انگلیس داشت.

جبهه ناراضیان از شرکت نفت انگلیس، در جریان انتخابات مجلس شانزدهم - یا مهر ۱۳۲۸ - پیش از پیش تقویت شد و از آنجا که دیکتاتوری، پس از یازدهم بهمن، به استعمار انگلیس استلاء داشت، همه مخالفان این دیکتاتوری نیز کوشیدند دور هم جمع شوند و به فعالیت خود شکل سازمانی بدهند.

تشکل ضد شرکت نفت و ضد دیکتاتوری با اعتراض دکتر مصدق به انتخابات مجلس شانزدهم و دعوت او به تحصن در دربار، به اعلات اعتراض به جریان انتخابات، شکل گرفت. نیمه شب چهارشنبه ۲۰ مهر ماه ۱۳۲۸، اعلامیه دکتر مصدق بدین بیان روزنامه ها داده شد. در این اعلامیه، دکتر مصدق از همبندان دعوت میکرد که روز جمعه ۲۲ مهر ماه، «چلو سردر سنگی اعلیحضرت» حاضر شوند و به اعلات اعتراض به انتخابات، در دربار متحصن شوند. اعلامیه دکتر مصدق کمترین استثنائی قائل نشده بود. خطاب آن بهمه بود.

این خطاب عام، همه سازمانها و نیروهای سیاسی امکان میداد که مستقیم و غیرمستقیم در تحصن، و یا بهتر بگوئیم، در تشکل ضد شرکت نفت و ضد دیکتاتوری شرکت کنند.

ولی رهبری حزب ما آنروز همان اشتباهی را مرتکب شد که برخی از گروههای مبارز امروز مرتکب میشوند. بنظر چنین میآید که این اجتماع و این تحصن شدن انقلابی است، زیرا اعدای از کسانی که در آن شرکت میکنند، همانهایی هستند که اینهمه مجیز آمریکا و شاه را گفته اند، آنهایی هستند که با لاف و طرفداری شرکت انگلیسی مخالفند و فقط چند روز اضافه درآمد میخواهند، آنهایی هستند که با حزب وارد و دوگانه سوسیالیسم با چنان شدت و کینه ای دشمنی ورزیده اند، با حزب دمکرات قوام السلطنه علیه جنبش انقلابی ایران همکاری فعال و نزدیک داشته اند و...

هر کدام از استدلالها بجای خود درست است. اما برخورد واقع بینانه به مجموعه جریان در آن لحظه تاریخی نشان میدهد که تحصن در دربار، صرف نظر از همه ایرادهائی که بر آن وارد است، در آن لحظه اقدامی بود مثبت و نتیجه بخش، زمینه ای بود برای تشکل و حرکت همه نیروهاییککه هر یک بدلیل عدم رضایت از وضع موجود داشتند، ما آنروز میبایست توجه میکردیم کسه شرکت کنندگان در تحصن همه از یک قماش نیستند. مصدق با بقیائی زمین تا آسمان تفاوت دارد. بعلاوه شرکت کنندگان در تحصن یکبار برای همیشه ساخته نشده اند. آنها در جریان نبرد توده خواهند کرد و احتمالاً تکامل خواهند یافت. دکتر فاطمی شال ۳۲، ممکن است که دکتر فاطمی سال ۲۸ نباشد. ضربات سنگین و بی دریغ دشمن، پراکنده شدن و از صحنه دور ماندن الزامی عده قابل ملاحظه ای از مسئولین با تجربه حزب، کار پنهانی، که ارتباط با توده را دشوار میساخت، و بالاخره کمی تجربه سیاسی از عوامل مهم این ارزیابی نادرست بودند.

باری، تحصن بدون حضور ما انجام گرفت. ۱۹ نفر از نمایندگان تظاهر کنندگان خیابان کاخ برای تحصن به دربار رفتند، که اکثریت قاطع آنان، در مورد شرکت سابق، فقط خواستار تجدید نظر و تعدیل در قرارداد بودند و نه طرد کامل شرکت نفت. همین نود نفر متحصن، کمی پس از آن، روز اول آبانماه ۱۳۲۸، تشکل «جبهه ملی» ایران را اعلام نمودند که برنامه آن فقط برخی جوانب آزادیهای دمکراتیک، از قبیل آزادی مطبوعات و انتخابات

دومین کوشش برای حل مسئله نفت از طریق کودتا با اینکه نخستین یورش استعمار انگلیس برای حل مسئله نفت در محیط اعراب و تروریست ازبانه ها بهمن به نتیجه ای نرسید، نقشه اصلی بجای خود باقی ماند، و پس از یکسال تدارک و تلاش پشت پرده، بهسورت شبه کودتای سر لشکر رزم آراه از نوجان گرفت. از آنجا که در شبه کودتای رزم آراه بسیاری از عناصر کودتای ۲۸ مرداد وجود دارند، تدارک آنرا با کمی تفصیل بیان میکنیم.

تشکل «جبهه ملی» تقریباً همزمان بود با نخستین سفر شاه مخلوع به آمریکا. این سفر یکی از مهمترین سفرهای خارجی شاه مخلوع است که تأثیر زیادی در گرایشهای بعدی دربار و بطور کلی در سیاست آنروز ایران باقی گذاشت. شاه مخلوع یکماه و نیم در آمریکا ماند.

در آنسالها، امپریالیسم آمریکا هجوم گسترده ای را در سرتاسر خاور میانه آغاز کرده بود. از آغاز اجرای دکترین ترومن با شعار «همه جهان از آن آمریکاست»، «خاور میانه از آن آمریکاست» بیش از دو سال میگذشت. امپریالیسم آمریکا در یونان با آتش و خون مسلط شده و در ترکیه جا گرفته بود. در اروپا پیمان آتلانتیک سر هم بندی شده بود و توسطه گری آمریکا دامنه وسیعی داشت. و اما در خاور میانه عربی و ایران، امپریالیسم آمریکا یکی پس از دیگری سنگرهای امپریالیسم انگلیس را میگرفت. درست است که پس از جنگ خود چرچیل اعلام کرده بود:

«من یقین دارم که تمام ملت انگلیس موافق هستند که ملت آمریکا قدم بچلو بگذارد. شاید در پارلمان انگلیس چهل پنجاه نفر باشند که با پیشقدمی آمریکا در جهان مخالفت کنند اما صدای آنها بیش از صدای چهل پنجاه نفر ارزش ندارد. در عوض ملت انگلیس و امپراطوری انگلیس با تمام مسرت رضایت میدهد که دولت آمریکا در خاور میانه جای انگلیس را بگیرد.» (۱)

ولی انحصارات انگلیسی به آسانی جابجائی نمیکردند. صدای آن به اصطلاح «چهل پنجاه نفر» در حکومت انگلستان به اندازه چهل پنجاه نفر نبود، بلکه از بسیاری جهات تعیین کننده بود. انگلستان مقاومت میکرد و میخواست با کمک آمریکا مواضع خود را حفظ کند. نتیجه اینکه نه فقط در عرصه ایران، بلکه تقریباً در همه کشورهای خاور میانه و بویژه در کشورهای عربی همسایه اسرائیل، بحران دائمی حکومت وجود داشت. خشم توده مردم عرب علیه اسرائیل تجاوز کاری که تازه در خاک عرب ریشه میگرفت، با تضادهای گردانندگان سیاست بهم میآمیزخت. در سوریه هرام و هرفهفته کودتائی برپا میشد و در اردن ملک عبدالله بخون میغلطید و در ایران شیوههای نفوذ و تسلط آزمایش میشد.

امپریالیسم همیشه تجاوز کار بودندند است. ماهیت آن هم چو قوت تغییر نمیکند، اما بسته به شرایط، این ماهیت تظاهر متفاوتی دارد. درسالهای پس از جنگ دوم و بخصوص درسالهایی که مورد بحث است، تجاوز گری و درندگی امپریالیسم جهانی، و در رأس آن امپریالیسم آمریکا، بطرز شگفت آوری عربیان و بی ملاحظه بود. امپریالیستهای آمریکائی، که در چین شکست سختی خوردند، با وقاحت کم نظیری از جنگ علیه اتحاد شوروی، از «آزاد ساختن» اروپای شرقی، از محو کومونیسیم در مقیاس جهانی سخن میگفتند. اساس سیاست جهانی آمریکا بر این اصل گذاشته میشد که گویا مصالح ملی آمریکا مرز وحیدی ندارد. در هر نقطه جهان، کسه جنبشی مترقی رشد کند، مصالح آمریکا بخطر میافتد و آمریکا حق مداخله نظامی دارد.

در اینزمان، اتحاد شوروی بنحمت ویرانیهای وحشتناک جنگ را ترمیم میکرد تا تولید ملی را به سطح قبل از جنگ برساند. کشورهای تازه تاسیس و دمکراسیهای توده ای در اروپای شرقی هنوز درگیر بقیای ارتجاع داخلی و فاشیسم و دسیسه های آمریکایی بودند تا مواضع حکومت نوین توده ای را تحکیم کنند.

علی رغم این دشواریها، اردوگاه سوسیالیسم در حال تشکیل و تحکیم بود. مردم شوروی با فداکاری کم نظیری بر دشواریهای جنگ دوم فائق میآمدند و همه نیروی خود را بکار میبردند تا جاو جنگ سوم جهانی زابگیرند. آنها موفق شدند انحصار اتمی آمریکا را بشکنند. درست در آستانه سفر شاه به آمریکا، ترومن اعتراف کرد که اتحاد شوروی بپا امی دارد. ولی امپریالیسم آمریکا هنوز بیش از آن سرمست قدرت بوده که در سیاست خود تعدیل وارد کند. تفوق اتمی آمریکا هنوز مسلم نبود.

کشور ما یکی از حساسترین نقاط جهان بود که امپریالیسم بطور گسترده ای در آن پیش میرفت و میکوشید سلطه کامل خود را در آن برقرار سازد. مطبوعات ایران هر روز دروغهای شایخی از نوع، «حملة برق آسای شوروی به ایران»، «در یک روز شوروی آذربایجان را میبلعد»، «مناطق نفتی شمال ایران اشغال شد»، «من از مرز شوروی میآیم»، با حروف درشت در صفحات اول خود چاپ میکردند. در صحنه ایران جنگ سرد در اوج خود بود. محافل رسمی

آن بسود خود نتیجه میگرفتند. ترومن، رئیس جمهور وقت آمریکا، در نطق رسمی خود درباره «ضرورت تحویل کمکهای نظامی به ایران، برای جلوگیری از خطر حمله شوروی» سخن میگفت و هنگام اقامت شاه مخلوع در آمریکا، مقامات رسمی و مطبوعات آنکشور این فکر را بوسمت کم نظیری منتشر میکردند.

مقامات رسمی آمریکا چنان با صراحت درباره امور داخلی ایران و چگونگی اداره کشور ما صحبت میکردند که در عرف بین المللی بی سابقه است. آنها توضیح میدادند که هیئت حاکمه ایران باید دست به «اصلاحات» بزند و راههای آمریکا را زبیر نظارت مستشاران آمریکایی بگذرد و در پیمانهای ضد شوروی شرکت ورزد و... مقامات آمریکائی انکار نمیکردند که مایلند در ایران دولتی دارای خصوصیات ویژه مورد علاقه آنها، دولت دیکتاتوری نظامی ضد شوروی و در عین حال اجرا کننده «اصلاحات» از بالا تشکیل شود.

این يك واقعیت تاریخی است که تنها سازمانیکه در آنزمان خطر امپریالیسم آمریکا را درک میکرد و بسا تحکیم مواضع دربار مخالفت مینمود، حزب توده ایران بود. در اعلامیهها و نشریات حزبی، که بوسمت در تهران انتشار مییافت، این خطر ب مردم توضیح داده میشد و مبارزین توده ای دیوارهای شهر را از شعارهای ضد سلطنت و ضد آمریکا می پوشاندند.

ولی محافل نزدیک به جبهه ملی سیاست کاملاً دیکتاتوری داشتند. آنها، علی رغم منافع ملی و خواست توده مردم، از شاه و آمریکا آشکارا دفاع میکردند. حتی روزنامه هائی نظیر «سخت» امروز، که نسبت به سایر مطبوعات جبهه ملی صدیق تر بود و سرعتم تکامل یافت، در روزهای سفر شاه مخلوع با چنان لحنی از شخص او و از سیاست امپریالیسم آمریکا در ایران حمایت میکرد، که امروز حتی تکرار آن اشمعزاز آور است.

سیاست اعلامیه «جبهه ملی» عبارت بود از تأیید نظر امپریالیسم آمریکا دربار ضرورت تشکیل يك دولت «اصلاح طلب» ضد کومونیسیم در ایران. جبهه ملی به حسن نیت امپریالیسم آمریکا باور داشت و سیاست جهانی امپریالیسم آمریکا را، که هجوم در تمام جبههها بود، درست میدانست. سیاست سازان آمریکاهم این نکته را در حساب خود وارد میکردند. از جمله، هنگامیکه مردم ایران در مبارزات وسیع انتخاباتی بر رهبری جبهه ملی، در دوره شانزدهم، به مقاومت جدی رژیم حاکم برخوردند و برائت دزدی و تقلب آشکار انتخاباتی، هیچ يك از نامزدهای جبهه ملی پیروزی، کسب نکرد، محافل نزدیک به سفارت آمریکا در تهران، کمک کردند تا این انتخابات در تهران تجدید شود. درست در آستانه سفر شاه مخلوع به آمریکا، سر لشکر زاهدی - کودتاچی معروف - به ریاست کل شهری بانی منصوب گردید، و پس از بازگشت شاه مخلوع از آمریکا، انتخابات تهران تجدید شد، که برائت آن، چند تن از نامزدهای جبهه ملی به مجلس رفتند و اقلیت مؤسری در مجلس شانزدهم بوجود آوردند.

اما کمک به جناح سازشکار جبهه ملی، برای محافل حاکمه آمریکا جنبه فرعی داشت. سیاست داخلی آنها عبارت بود از تسکین به دربار و ارتش، ایجاد دولت «مشت قوی» که بتواند ایران را به پایگاه ضد شوروی بدل نماید و مسئله نفت را بسود انحصارات آمریکائی حل کند.

در موقع اقامت شاه مخلوع در آمریکا، تدارک تشکیل چنین دولتی داده شد. شاه مخلوع موافقت کرد که رزم آراه - رئیس ستاد ارتش - را به نخست وزیری منصوب کند و وظایف اصلاحات از بالا را به او واگذارد. امریکائیان از دولت رزم آراه همان چیزی را میخواستند که پس از ۲۸ مرداد سپهبد زاهدی انجام داد.

شاه مخلوع، پس از بازگشت از آمریکا، مدتی تأمل و تمطل کرد، سپس منصورالملک را بعنوان نخست وزیر محفل بر سر کار آورد و بالاخره در ۵ تیرماه ۱۳۲۹، حکم نخست زبیری رزم آراه را بسدون رای تمایل مجلس - صادر کرد. رزم آراه کودتاوار به حکومت رسید.

ادامه دارد

(۱) دکترین ترومن، نوشته ۴، ج. کلاه، چاپ تهران اسفند ۱۳۲۶

توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می فرستند

بسیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه های گوناگون برای «مردم» خبر می فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

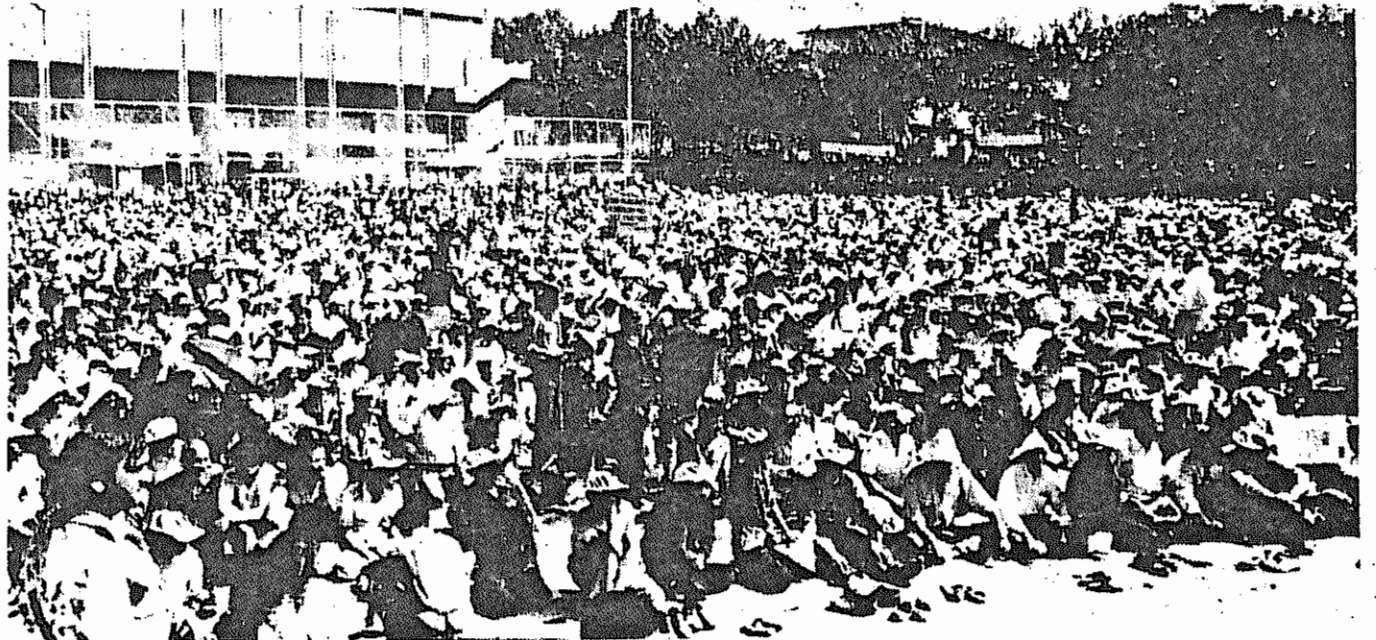
«مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند و برای اطمینان به صحت اخبارهم، جز تکبیه به اینک فرستندگان اخبار و گزارشها مسئولیت خطیر خود را در این زمینه بخوبی درک می کنند، امکان دیگری ندارد.

ولی متأسفانه تا کنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار دریافتی دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» روزنامه ای مسئول و در میان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار نادقیق ممکن است موجب سوء تفاهم شود و نتایج ناگواری بپا آورد و نیز به نفوذ و اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزبی و هواداران و دوستان خواهشمندیم که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت را مبذول دارند. با سپاس.

«مردم»

شمار دهها میلیون ایرانی در راهپیمایی روز قدس:

امریکا، صهیونیسم، دشمن ملت ماست!



در حالیکه سپاه پاسداران انقلاب، با کمک کلاه سبزهای نیروهای ویژه هواپرد، افراد نیروی هوایی، نیروهای شهریاری و نیروهای دژبان مرکز، نظم راعیده دار بودند و جنگنده‌های نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران به نشانه همبستگی با ملت فلسطین بر فراز سرشان پرواز می‌کردند و هلیکوپترها بر سرشان پیام همبستگی پرسنل هوایی و ارتش را با خلق ایران و فلسطین فرو می‌ریختند، جمعیت بی‌پایان با شمارهای ضد امپریالیستی، دانشگاه تهران و خیابان‌های اطراف آنرا می‌نمایشت:

فلسطین فلسطین متحد خلق ماست، امریکا، صهیونیسم دشمن ملت ماست

ساعت ۱۱:۲۰ دقیقه صبح در میان فروش شمارهای فلسطین قهرمان، بر صهیونیسم خائن، پیروز باید گردد!

بقرمان خمینی، بعد از ایران، فلسطین آزاد باید گردد!

زمستان فلسطین، نوروز باید گردد - شب‌های خیمه‌هایش، چون روز باید گردد!

دست پلید امریکا

مراسم روز قدس، با تلاوت آیاتی از قرآن آغاز شد و سپس پیام امام خمینی بمناسبت روز قدس توسط نوار پخش گردید. آنگاه مهندس یازوگان طی سخنانی در باره نقش یهودیان امریکا در پشتیبانی از شاه مخلوع و اسرائیل گفت: «این پشتیبانی بوسیله اسرائیل و یهودیان امریکا و آن جناح خاص بود که نه تنها در فلسطین و ایران و در جاهای دیگر، بلکه در خود امریکاهم بساط پرتری و ستمگری و تفرق را پهن کرده و می‌کنند.»

سخنران بعدی، عبدالعلیم خدام، وزیر امور خارجه سوریه بود. او به نمایندگی از طرف ملت سوریه و حافظ اسد در قسمتی از سخنرانی خود گفت:

«ما به این واقعیت ارزش فراوانی می‌دهیم که پیروزی انقلاب ایران نقش بزرگی در تنظیم مجدد قوا در منطقه خاورمیانه داشته و حتی یکی از عوامل بسیار مثبت و مهم در مبارزه ماعلیه صهیونیسم در فلسطین محسوب میشود.» سخنران بعدی، **حجت الاسلام خامنه‌ای**، در بخشی از سخنان خود گفت:

«ما در برابر خود، در همه جنبه‌هایی که امروز در سراسر کشورهای خاورمیانه درگیر هست، دشمن واحدی و دشمن مشترکی را با لیبیان مشاهده می‌کنیم. مادست پلید امپریالیسم امریکارا در همه فاجعه‌آفرینیهایی که در این نقطه جهان انجام می‌گیرد، بوضوح می‌بینیم»

حجت الاسلام خامنه‌ای، که از اعضای شورای انقلاب است، افزود:

«امروز دشمن همچنان در قبال ما، در برابر ما، با همان تجهیزات قرار گرفته است. انقلاب ایران را پایان یافته تلقی نکنید، اگرچه در مرحله سازندگی قرار داریم، اما انقلاب ماهنوز باید آن نیروی تهاجمی، آن حالت تهاجم آغازین و نخستین را با خود همراه داشته باشد.»

حجت الاسلام خامنه‌ای در ادامه حرفهای خود گفت: «ما دشمن خود را می‌شناسیم. امروز دشمن ما هیچ کس و هیچ قطبی جز همان قلوب و همان کسی که تادیروز تا بر پای ریژیم ننگین پادشاهی با ما می‌جنگید، نیست.» و آنگاه ملت را به وحدت دعوت کرد: «برادران و خواهران من! لازم است در همه لحظات، در همه احوال فراموش نکنیم که در نیمه راه انقلاب خود هستیم. توطئه‌های گوناگون امروز از اطراف ما را محاصره کرده است. اما چشم‌انداز آینده را بسیار روشن و امیدبخش می‌بینیم. با اعتماد ایمان مردم مسلمانان، ما از همه خواهران و برادران مسلمان جدا و قاطعانه تقاضا می‌کنیم، در حمایت از ملت ما، دست بزنند.»

میلیونها نفر، در عظیم‌ترین راهپیمایی بعد از پیروزی انقلاب، شرکت کردند و در غرورش بی‌نظیر خود، در شعارهای آتشین، وحدت مردم ایران را برای پیروزی بر امپریالیسم و صهیونیسم طلبیدند.

راهپیمایی عظیم روز جمعه، بدنبال دعوت امام خمینی و تعیین جمعه آخر ماه رمضان بعنوان روز قدس، با شرکت توده‌های میلیونی برگزار شد و در سراسر ایران، حتی روستاها، شمار:

اسرائیل نابود است، فلسطین پیروز است! به نشانه تجلی اراده مردم ایران، برای مبارزه با امپریالیسم خونخوار امریکا و عامل تبهکاریش اسرائیل هزاران بار تکرار شد.

بر اساس گزارش خبرنگاران «مردم» از سراسر ایران: طبقات مختلف مردم، در شهرهای کوچک و بزرگ، در صفوف فشرده و بی‌پایان، در حالیکه عکس‌های امام خمینی، آیت‌الله طالقانی، یاسر عرفات و صدها پلاکارد ضد امریکائی و ضد صهیونیسم در دست داشتند، به خیابانها آمدند. در اجتماعات وسیع مردم، جنایات امریکا و اسرائیل بعنوان دشمنان اصلی ایران و همه خلقهای جهان محکوم شد. در قم، بعد از راه پیمایی هزاران نفر، امام خمینی، رهبر انقلاب، برای آنان سخن گفت.

در تهران مراسم قرار بود از ساعت ۱۰ صبح، با حرکت گروههای مختلف مردم بسوی دانشگاه تهران، آغاز شود. اما اندکی بعد از ساعت ۸، گروههای وسیع مردم از همه نقاط شهر، چون موج بی‌پایان بجانب دانشگاه تهران حرکت کردند. مردم، که بدعوت امام و همه سازمان‌های مترقی، از جمله حزب توده ایران، با شرکت در مراسم فراخوانده شده بودند، هنوز ساعت ۹ صبح نشده بود که خیابانها را با شمارها و سروردهای خود آذین بستند.

خبرنگاران «مردم» نوشته‌اند: «زیر آفتاب داغ سرداد، خیل خروشان مردم، زنان و مردان، کودکان، پیران، کارگران، پیشه‌وران، کارمندان، دانشجویان و دانش‌آموزان همه و همه خلق قهرمان ما، خیابانها را به گذرگاه بی‌پایان شمارهای ضد امپریالیستی تبدیل کردند.

کوچه‌ها و خیابانها، نهرهایی بودند که از آنان صف بی‌پایان انسانها شانه به شانه، هم‌آواز و یکدل به اقیانوس بزرگ دانشگاه می‌ریختند. روز قدس، صف متحد خلق، مشت یگانه‌ای بود، درست بهمان عظمت و نیرو که سال پیش در اینطور روزها، در کارکوئین تخت خونین سلطنت بود. این مشت خلقی که از میلیونها قلب نیرو میگرفت، نابودی ضد انقلاب را تدارک دیده بود. اراده خلق در این شمار با زتاب می‌یافت:

انقلاب، انقلاب، تاپیروزی انقلاب!

نزدیک ساعت ۱۰ صبح، دانشگاه تهران از جمعیت پر میشد. میلیونها نفر، در حالیکه عکسهای امام خمینی، آیت‌الله طالقانی و یاسر عرفات را در دست داشتند، بدانشگاه تهران میرسیدند و جمعیت در آن انبوه‌تر میشد.

حضور نظامیان در میان صفوف بی‌پایان مردم جلوه تازه‌ای از ایران آزاد بود. نظامیان، در حالیکه پای رزم بر زمین می‌کوبیدند، شمار میدادند:

ارتش فدای ملت!

خیابانها، یک کلام، پراز صدای وحدت و بانگ میثاق بود. خلق در وحدت، خلق برای مبارزه با امپریالیسم میثاق می‌بست و آنرا در شمارهای خود تکرار میکرد:

بیت المقدس را رها می‌کنیم ماجان براه حق فدا می‌کنیم.

رهبری خمینی اساس وحدت ماست نجات مستضعفان، شعله ملت ماست

بر خورد دستفروشیهای اصفهان با بازاریان

در زمان انقلاب و همزمان با بیکار شدن عدز زیادی از کارگران شرکتها و کارخانه‌ها، بطوریکه معمول شده، عده‌ای از بیکاران در هر شهرستانی مشغول دستفروشی هستند.

در میدان انقلاب اسلامی اصفهان، در مقابل ساختمان بازار تجارتنی ۲۴ اسفند، عده زیادی از افرادی که کار خود را در طول انقلاب از دست داده‌اند، در پیاده‌رو مقابل این ساختمان دستفروشی میکنند. البته برای فروش بهتر مجبورند که در فروش اجناس خود سود کمتری ببرند و با قیمتی کمتر از قیمت فروشگاههای کنار خود بفروشند.

این مسئله موجب ناراحتی زیاد برای صاحبان این فروشگاهها شده است. آنها چندین بار کمیته امام شکایت کرده‌اند که اینها مزاحم کسب و کار ما هستند و سد معبر پیاده روها شده‌اند و مزاحم زن و بچه مردم‌اند که از پیاده‌روها عبور میکنند.

چند روز پیش از طرف کمیته اتوموبیل‌پیکانی، که سه نفر سر نشین داشت، باین محل آمد و با بلند گوی ماشین اعلام کرد که شما تا سه روز دیگر مهلت دارید که این محل را ترک کنید و به محل دیگری که مزاحم کسب و کار دیگران نباشد، بروید.

ضمناً افراد سر نشین پیکان کمیته پیاده شده با دستفروشها صحبت میکردند و آنها را تهدید میکردند که شما باید اسباب و اثاثیه خود را جمع کنید و اگر تا چند روز دیگر با کمپرسی و وسائل مصادره می‌کنیم و شما اصلاً از هر کجا آمده‌اید، بشهر خود بر گردید. خلاصه اینکه صاحبان فروشگاهها، که از فروشگاههای لوکس و بزرگ اصفهان‌اند، در کنار ماموران کمیته، متخالف افراد دستفروش بودند که بسا هم گفتگو و بحث میکردند. آنها بدستفروشها میگفتند: شما کجا بودید که حالا پیدا شدید. شما اصلاً از مردم این شهر نیستید. ماها خون دادیم و فروشگاههای ما چندین ماه بسته بود و آنچه در زمان اعتصابات ضرر دادیم، حال شماها استفاده‌اش را میبرید. شما آمده‌ای تبلی هستید، چرا به مملکتی و کارهای ساختن می‌پردازید و چرا به

سراغشان بیاید.

تحقق این امر لازم و مفید کمک کنند. لطفاً کتابهای اهدائی را، از هر نوع و با هر چاپ، به دفتر «مردم» ارسال دارید. اگر تعداد کتب اهدائی زیاد است، ننگ بزنید، دفتر «مردم» ترتیب حمل آنرا خواهد داد. با سپاس، «مردم»

دعوا به همین جا خاتمه یافت تا پس از مهلت سه روزه کمیته بساز

وحدت نیروهای ملی و عمومی را از دست ندهند. در ادامه مراسم، پیام هانی الحسن، نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین در ایران و آنگاه قطعنامه ده ماده‌ای روز قدس قرائت شد. در قطعنامه از امام خمینی و خط مشی وی و آرمانهای ملت فلسطین اعلام پشتیبانی شده، هرگونه قرارداد علیه منافع ملت فلسطین، از جمله قرارداد کارتر-سادات- بگین محکوم شده، از جنایات وحشیانه اسرائیل و سکوت مدعیان حقوق بشر و مطبوعات مزدور غرب ابراز تنفر گردیده، از دولت خواسته شده روابط هرچه نزدیکتر با سازمان آزادیبخش فلسطین برقرار شود، از اقدامات قاطع دادستان انقلاب پشتیبانی بعمل آمده و از دولت موقت اسلامی خواسته شده که هرچه زودتر عوامل توطئه‌گر چپ‌نمارا بر جای خود بنشانند.

بعد از پایان مراسم، در حالیکه همه دانشگاه تهران و خیابانهای اطراف آن از میلیونها انسان پوشیده بود، نماز

انتظار مردم از قانون اساسی

حاکمیت خلق باید از طریق مجلس شورای ملی و شوراهای منتخب مردم اعمال شود. مجلس شورای ملی، مرکب از نمایندگان منتخب تمام اهالی کشور، قدرت مرکزی را اعمال میکند و شوراهای استان، شهرستان، شهر و ده، که از طرف اهالی هر یک از بخش‌های نامبرده انتخاب میشوند، طبق اختیارات مشخصی، که به تصویب مجلس شورای ملی میرسد، درباره امور داخلی قلمرو خود در حدود مسئولیت‌ها و وظائف خود، حاکمیت خلق را تحقق میدهند.

تقسیمات کشوری بر پایه ویژگی‌های ملی انجام گیرد. در واحدهای ملی، شوراهای حقوق اداری و فرهنگی ملی را اعمال میکنند. زبان مورد تکلم در هر واحد ملی، در جنب زبان فارسی، برای آموزش، مسکتابت و اسناد رسمی ادارات محلی، مذاکرات شوراهای و دادگاهها رسمیت دارد. قانون اساسی حقوق کامل سیاسی، اقتصادی، اداری، مدنی، اجتماعی و فرهنگی زن را تضمین میکند. برابری حقوق زن و مرد را شرط بنیادی تحول جامعه بسوی ترقی و رفاه می‌شمارد.

کرسی‌های نمایندگی مجلس در سطح کشور و شوراهای باید به نسبت آرائی که بهر یک از سازمانها و احزاب شرکت کننده در انتخابات داده شده است، توزیع گردد. هر یک از افراد کشور حق کار دارند. تشکیل اتحادیه‌های صنفی و حرفه‌ای حق مسلم کارگران و زحمتکشان شهر و ده است.

هر گونه شکنجه و تنبیه بدنی و روانی، چه بدستور مقامات دولتی و قضائی و چه خودسرانه از جانب مساموران دولتی ممنوع و مستحق مجازات است.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه عدم تمهد، عدم شرکت در بلوک‌بندیهای نظامی، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، عدم تجاوز بخواک کشورهای دیگر، حسن-همجواری با همسایگان، همزیستی مسالمت‌آمیز و تحکیم همکاریهای بین‌المللی میان دولت‌ها - زمینهای برابری کامل و منافع متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر - قرار دارد.

ما در این لحظه تاریخی، بار دیگر از همه نمایندگان مجلس خبرگان میخواهیم که با تدوین و تصویب قانون اساسی در خودیهای قهرمانانه و جانباخته مردم، به وظیفه خطیر خود در برابر رنده انقلاب عمل کنند. ما همه نیروهای ترقی و دمکراتیک را فرا میخوانیم که از تلاشهایی که برای منته و مسخ کردن پیش نویس قانون اساسی صورت میگیرند، جلوگیری کنند و با هوشیاری و مسئولیت شناسی انقلابی، مبارزه خود را برای بازتابی دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک ما و گسترش آنها، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تشدید کنند.

اینکه که «مجلس خبرگان» تشکیل میشود، ما بار دیگر ضرور میبینیم که نکاتی چند درباره وظائف حیاتی و سرنویس‌ساز این مجمع و پیشنهادهای حزب ما را در این گستره یادآور شویم. این یادآوری بویژه از آن جهت اهمیت و فعلیت می‌یابد که روند انقلاب قهرمانانه ما اینک مراحل خطیری را میگذراند. ضد انقلاب امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیست‌های امریکائی، صهیونیسم و بازماندگان رژیم پهلوی - به هجوم جدیدی علیه دستاوردهای انقلابی مادست زده است و با دست‌یازی به آشوب آفرینی، تحریک، دسیسه و خرابکاری میکوشد تا از تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب جلوگیری کند و سنگرهای از دست رفته را بازپس گیرد. از سوی دیگر پادشاهی محافل محافظه کار، سازشکار، راست گرا، روحانی‌ها، انحصار طلب و چپ‌نما، اکثر آگاهانه، ولی برخی ناآگاهانه، آب به آسیاب این هجوم ضد انقلابی میریزند.

موضع حزب توده ایران در برابر «مجلس خبرگان»، علیرغم ایرادات جدی آن به انتخابات این مجلس - نحوه تشکیل انجمن نظارت مرکزی و انجمن‌های محلی، تضییقات در فعالیت‌های انتخاباتی، اعمال نفوذ در جریان رای گیری، شمارش، خواندن و ثبت آراء - موضعی تأییدی است. ما ضمن ابراز تأمل از خدشه‌های گوناگون انتخاباتی و پیمانک از برخی پیشینه آفرینی‌های زبان آور، معتقدیم که این مجلس میتواند، بر پایه پیش نویس کنونی، قانون اساسی تدوین کند، که بازتاب دستاوردها و هدف‌های عمده انقلاب ایران باشد. اینها عبارتند از:

- ۱- واژگون کردن رژیم غارتگر، خیانت پیشه و جنایتکار پهلوی.
- ۲- برانداختن سیادت چپاولگرانه و سیادت چوپانانه امپریالیسم و صهیونیسم و بویژه امپریالیسم امریکا، که امام خمینی آنرا دشمن شماره یک مردم ایران خوانده است.
- ۳- تأمین حقوق و آزادیهای دمکراتیک برای همه مردم ایران از زن و مرد و همه خلق‌های ایران و حتی تعیین سرنویس برای ملیت‌های ساکن کشورها.
- ۴- تأمین عدالت اجتماعی بسود زحمتکشان، خاتمه دادن به چپاول ثروت ملی و محصول کارمستضعفین و بهبود همه جانبه زندگی محرومان، بویژه کارگران و دهقانان.

حزب توده ایران، با آگاهی از مسئولیت تاریخی خویش و خواست‌های انقلاب در مرحله کنونی، بر پایه پیش نویس کنونی، برای رفع برخی نارساییها، ابهامات و کمبودهای آن پیشنهاد های مشخصی اعلام داشته است. اهم آنها از قرار زیرند:

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی واصل بر نامرئزی منظم دولتی استوار باشد. بخش دولتی عمده عامل اقتصادی کشور، وسیله اساسی پویایی آن و پیشبرد هدف‌های اقتصادی انقلاب است.

چرا رسانه‌های گروهی کشورهای امپریالیستی انقلاب ایران را تخطئه میکنند؟

رسانه‌های گروهی کشورهای امپریالیستی، حملات مشابه و متحدی را در جبهه‌ای گسترده، علیه انقلاب ایران و رهبری آن آغاز کرده‌اند. مطبوعات ارتجاعی و رادیو تلویزیون‌های کشورهای امپریالیستی انبساط از مطالب تحریک آمیز علیه انقلاب ایران و هجوم این انقلاب مردمی است. آنها در این پست‌اند که مردم غیوری را که با آهنگار انقلاب را پیروز ساختند، بمبارزه علیه رهبران انقلاب تحریک و به توطئه و دسیسه بر ضد انقلاب تشویق کنند. آنها بدست کارگران خودی و محلی، آتش تفرقه و جدایی در گوشه و کنار کشور میافروزند و بر فراز صحنه‌های نفاق و برادر کشی، فریاد شوق سر میدهند. نقل تمام مطالبی که مطبوعات ارتجاعی غرب، در ضدیت و خصومت با انقلاب ایران، نوشته‌اند، هدف این مقاله نیست، فقط نمونه‌هایی از

آنها نقل میکنیم، تا دست پلید امپریالیسم را در حوادث ناگوار کشور، نشان داده باشیم. روزنامه فرانسوی «فیکارو» برای راهمائی ضد انقلاب داخلی با معارضه با انقلاب ایران، توصیه میکند، «منطقه خرمشهر به یکی از پایگاههای عمده مبارزه مهاجران طرفدار شاه مخلوع علیه رژیم جدید مبدل شود». انتخاب خرمشهر با هدف قیام و عصیان علیه انقلاب ایران، شاید از آن جهت است که آقایان امپریالیستها با برانگیختن ضد انقلاب در این منطقه، بکمان خود میخواهند خیال خود را از جانب «نفت» آسوده سازند. این کمان را روزنامه‌های ارتجاعی انگلستان تأیید میکنند. روزنامه انگلیسی «گاردین» برای تشویق خلق عرب خوزستان بر اقدام علیه انقلاب ایران می‌نویسد،

تبلیغ امپریالیستی از راه نامگذاری

یکی از شیوه‌های مبلغان امپریالیستی، کسه بر پایه حسابهای روانشناسی مبتنی است، تبلیغ از راه نامگذاریها است.

آن عنوانی که خود دولت، سازمان سیاسی، جنبش انقلابی یا بنیاد اجتماعی برای خودش برگزیده، مورد پسند مأمورین دسیه نیست. آنها خودشان برای آن دولت، آن سازمان، آن بخش... نامگذاری می‌کنند و از این نامگذاری مقصود تحقیر یا تحقیر آمیزی را دنبال میکنند. مثلاً واژه «اتحاد شوروی» را برسمیت نمی‌شناسند و نامش را گذاشته‌اند «روسیه» و حال آنکه غیر از روسها، دهها ملت دیگر در این واحد سیاسی و سرنویس آن شرکت دارند. یا «جمهوری خلق چین» را برسمیت نمی‌شناسند و نامش را گذاشته‌اند «چین سرخ» یا «چین کمونیستی» و حال آنکه جامعه چین از کمونیسم (که مرحله عالی جامعه سوسیالیستی است)، هنوز فرسنگها دور است. یا بجای «جمهوری دمکراتیک آلمان» می‌گویند «آلمان شرقی».

«دفتر اطلاعاتی احزاب کمونیستی و کارگری» برای آنها عنوان من در آوردی «کمینفرم» بود (خلاصه واژه‌های «اطلاعات کمونیستی») و نام «شورای تعاون اقتصادی» برای آنها عنوان من در آوردی دیگر «کومه‌کن» زیرا درهم‌جا باید سروکله «کمونیسم» بنام «لولو» باشد، تا دنیا بدانند «امپریالیسم دلار» پناه برد.

به جنبش‌های بخش ویتنام جنوبی نام «ویت کنک» دادند و به جنبش لائوس نام «پات لائو» و به جنبش‌های بخش کامبوج نام «خمر سرخ» و به «نیهان و رشوه» نام «بلوک شرق» و به «کشورهای سوسیالیستی» نام «کشورهای کمونیستی». در همین صفت «کمونیستی» منطقه عجیبی میشود. بقعیده مبلغان امپریالیستی، «سوسیالیسم» یعنی آن گامهای کوچک در مورد مزد و بیمه، که سوسیال دمکرات‌های غرب از آنها دم‌میزند، در همان حال با آن تبلیغات عنان گسیخته‌ای که بر ضد کمونیسم کرده‌اند و هیولائی که از کمونیسم ساخته‌اند، بخيال خود عنوان سوسیالیستی را به «کمونیستی» بدل کرده‌اند تا مردم را بترسانند. و اما از نظر واقعیت تاریخی هنوز دهها سال بطول خواهد انجامید تا جامعه کمونیستی در این کشورها دائر شود و در این کشورها اکنون تنها سوسیالیسم وارد مرحله رشد یافتگی خود شده است. بجای آنکه از فالانژیست‌های مسیحی لبنان در مقابل خلق لبنان نام ببرند، از «راست‌گرایان و چپ‌گرایان» لبنان سخن می‌گویند و یا اصولاً حوادث لبنان را، که طبقاتی است، یک جنگ مذهبی بین مارونیست‌های مسیحی و مسلمانان لبنانی جلوه گر می‌سازند.

واژه «استالینیسم» را اختراع کرده‌اند و حال آنکه استالین تئوری بدعت آمیزی در سیستم فکری مارکسیستی وارد نموده و تنها در عمل سیاسی خود (کیش شخصیت) مدتی موازین رهبری جمعی و دمکراسی سوسیالیستی را نقض کرده، بدون آنکه آنرا حتی کلمه‌ای از جهت تئوریک «توجیه کند». این غیر از ما و قیسم است که بابه پیش کشیدن انواع نظریات انحرافی (مانند «تئوری سه جهان») بدعتی فکری می‌آفرینند، که ناچار بنام خناس احتیاج دارد، و «ما و قیسم» تئوری و پراتیک ما و قیسم است و لذا نام گذاری «استالینیسم» بی‌معنوی و ناسم گذاری «ما و قیسم» دارای محتوی مشخص علمی است.

در ردیف این تبلیغ از راه نام، باید عنوان «حزب توده» را هم افزود. حزب توده چه؟ حزب توده کجاست؟ آن نامی که حزب توده‌ای ما بخود داده است «حزب توده ایران» است. «حزب توده» عنوان تحقیر آمیزی است که مطبوعات دوران شاه مخلوع بکار میبردند و این عنوان غلط، هنوز آگاهانه و ناآگاهانه، متمددانه و معسومانه، از طرف برخی چرایید و مقامات بکار می‌رود. ما بنوبه خود از آنها خواهش داریم حزب ما را بنام خودش بنامند. ما حزب توده رژیم پهلوی یا پاراگوئه یا گروئنلند نیستیم، ما حزب توده ایرانیم. در این واژه آخری (ایران) تمام شخصیت و هویت ما نهفته است. حذف این واژه آخری توطئه‌ای دانسته یا ندانسته علیه این شخصیت و هویت ماست (البته تا آنجا که یک نام گذاری میتواند مؤثر باشد).

ما به مسئولان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و مطبوعات کشور هم بنوبه خود توصیه میکنیم عنوان رسمی کشورها، احزاب، جنبشها، سازمانها را در همان فرمول بندی که خود آنها پذیرفته‌اند، مراعات کنند.

ورشوه خواریشان در ارتباط با محمد رضا بودند، باید هم اکنون رژیم مخلوع شاه فاش شد. ایران خصم جمهوری اسلامی ایران باشد که مداح و ستایشگر رژیم دزد و و آنرا تخطئه کنند. این پلیدی فاسد و ضد ملی و ضد دمکراتیک از ماهیت آنان بر میخیزد.

آنها که استان نفت خیز خوزستان را تحت کنترل دارند، در ماهیت امر کلید شکوفایی اقتصادی کشور را در دست دارند. از این دست مطالب و نیز مطالبی سراپا تحریف و هجوم و دروغ در مطبوعات ارتجاعی غرب، فراوان میتوان یافت. اما برآستی انگیزه این مطبوعات در مخالفت با انقلاب ایران چیست؟ این مطبوعات که مولود انحصارات امپریالیستی هستند، وظیفه‌ای جز دفاع از منافع روزی رسانه‌های خود ندارند. انحصارات امپریالیستی غرب چنانکه روشن است، نمیتوانند دوست انقلاب ایران باشند، زیرا این انقلاب بسر منافع نامشروع آنان در ایران ضربات جدی وارد آورده، سرچشمه دزدی و غارتگریشان را سد کرده، جاسوسان رسمی و غیر رسمی‌شان را بیرون ریخته و از کارگران آنان، از دربار پهلوی تا وزراء و نمایندگان و رجال جیره خوار خلق قدرت کرده است. وقتی ببرکت انقلاب مردمی ایران، قرارداد ۹ میلیارد دلاری خرید اسلحه از امپریالیسم آمریکا فسخ میشود، بلند گوه‌های امپریالیسم آمریکا بسدا در می‌آیند و علیه انقلاب ایران یاده گویی میکنند. وقتی قرارداد خرید ناوشکن‌های

جنگی با انحصارات آلمان فدرال لغو میشود، مطبوعات جیره خوار انحصارات اسلحه سازی آلمان فدرال بسدا در می‌آیند و علیه انقلاب ایران دروغ تحویل میدهند. لغو قرارداد خرید موشک‌های «رایبر» از انگلستان چنان این امپریالیسم فرسوت را بسخشم می‌آورد که روزنامه‌های ارتجاعی این کشور و بخش فارسی رادیو انقلاب ایران چیست؟ این مطبوعات که مولود انحصارات امپریالیستی هستند، وظیفه‌ای جز دفاع از منافع روزی رسانه‌های خود ندارند. انحصارات امپریالیستی غرب چنانکه روشن است، نمیتوانند دوست انقلاب ایران باشند، زیرا این انقلاب بسر منافع نامشروع آنان در ایران ضربات جدی وارد آورده، سرچشمه دزدی و غارتگریشان را سد کرده، جاسوسان رسمی و غیر رسمی‌شان را بیرون ریخته و از کارگران آنان، از دربار پهلوی تا وزراء و نمایندگان و رجال جیره خوار خلق قدرت کرده است. وقتی ببرکت انقلاب مردمی ایران، قرارداد ۹ میلیارد دلاری خرید اسلحه از امپریالیسم آمریکا فسخ میشود، بلند گوه‌های امپریالیسم آمریکا بسدا در می‌آیند و علیه انقلاب ایران یاده گویی میکنند. وقتی قرارداد خرید ناوشکن‌های

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق